

است.^۲ از این رو، وی را تمیمی و سعدی نیز خوانده‌اند.^۳ اَضْبَطُ به کسی گویند که با هر دو دستش^۴ یا با دست چپش همانند دست راستش کار می‌کند.^۵ سال تولد و مرگ او دانسته نیست.

برخی منابع اَضْبَطُ را از متولیان کعبه شمرده‌اند.^۶ گفته‌اند: او پس از جمان بن سعد تمیمی، تولیت خانه خدا را بر عهده گرفت و پس از او این مقام به تیره دیگری از بنی تمیم یعنی بنی حنظلة بن دارم رسید.^۷ ابن حیب بغدادی وی را در شمار آن دسته از بنی تمیم دانسته که هم‌زمان ولایت موسم و داوری شعر بازار عُكَاظ* را بر عهده داشته‌اند.^۸ بلاذری گزارش داده که او موسم و افاضه* را سرپرستی می‌کرده است.^۹ از زندگانی وی آگاهی بیشتری در دست نیست.

اضبط از شاعران پرآوازه روزگار جاهلیت است.^{۱۰} در منابع به اشعار او استناد می‌جویند.^{۱۱}

۲. الانساب، ج ۱، ص ۲۹۸.
۳. الصحاح، ج ۲، ص ۴۸۸، «سعد»: الاعلام، ج ۱، ص ۳۳۴.
۴. غریب الحدیث، ج ۱، ص ۸۴.
۵. غریب الحدیث، ج ۱، ص ۸۴.
۶. المحجر، ص ۱۸۲؛ شفاء الغرام، ج ۲، ص ۴۸.
۷. المحجر، ص ۱۸۲؛ شفاء الغرام، ج ۲، ص ۴۸.
۸. المحجر، ص ۱۸۲.
۹. انساب الاشراف، ج ۱۲، ص ۳۶۳.
۱۰. الوافی بالوفیات، ج ۹، ص ۱۷۰؛ الاعلام، ج ۱، ص ۳۳۴.
۱۱. الفرج بعد الشده، ج ۲، ص ۴۴۸؛ شرح نهج البلاغه، ج ۸، ص ۲۸۴.

پای ایشان تشبیه کرده است. (ص ۲۵) او از زیارتگاه‌های مکه و مدینه نام برده و ماجرای دیدارش از مشاهد شهیدان احد و قبور بقیع را گزارش کرده است. در بقیع، قبر عباس، مالک بن انس، زنان پیامبر و به باور خود، حضرت فاطمه علیها السلام را زیارت کرده است. (ص ۶۸) وی در روز ۲۲ محرم ۱۳۰۵ ق. مدینه را به قصد وطن ترک کرده است. (ص ۶۸)

تصویری از این سفرنامه در ۷۰ صفحه بدون آگاهی‌های کتاب‌شناختی در کتابخانه مرکز تحقیقات حج قم نگهداری می‌شود.

◀ منابع

الاعلام: الزرکلی (م. ۳۹۶ ق.)، بیروت، دار العلم للملایین، ۱۹۹۷ م؛ معجم ما الف عن مکه: عبدالعزیز السنیدی، ریاض، مکتبة الملك فهد، ۱۴۲۰ ق؛ الموسوعة لتاریخ المغرب و الاندلس: نجیب ذیب، بیروت، دار الامیر، ۱۴۱۵ ق.

سید علی آقایی



أَضْبَطُ بِنِ قُرَيْعٍ: از متولیان کعبه و

موسم حج در روزگار جاهلیت

اضبط بن قریع / عمرو بن عوف بن کعب^۱
از بزرگان بنی تمیم، تیره بنی سعد بن زید منات

۱. الصحاح، ج ۳، ص ۱۲۶۴، «قرع»: معجم البلدان، ج ۱، ص ۲۱۹.

شیخ طوسی برای نشان دادن این که از مفرد گاه با واژه جمع یاد می‌شود، به شعر وی استناد جسته است.^۱

به گزارشی، اضبط بر اثر بد رفتاری و بی‌احترامی قومش، از آنان رنجید و به جای دیگر رفت؛ اما ساکنان آن‌جا نیز همان رفتار را با او در پیش گرفتند.^۲ از این رو، به ناچار میان قومش بازگشت^۳ و اشعاری در نکوهش اهانت‌کنندگان سرود که به سبب شهرتش در منابع بسیار آمده است.^۴ شعر او پس از بازگشت میان قومش، ضرب‌المثل شده است: «فی کل وادٍ سعد بن زید» یا «بکل وادٍ بنو سعد»^۵ یعنی همه جا مردمی بد مانند بنو سعد یافت می‌شوند.

گویند: اضبط به شهر صنعا یورش برد^۶ و پس از غارت مردم آن‌جا، قلعه‌ای در آن شهر بنا کرد که به «أطم اضبط» مشهور است.^۷ از ناسازگاری او با همسرانش نیز گزارش‌هایی در دست است.^۸

۱. التبیان، ج ۳، ص ۱۹۵، ۵۶۲.

۲. المعارف، ص ۷۹؛ خزانه الادب، ج ۱۱، ص ۴۲۸.

۳. الصحاح، ج ۲، ص ۴۸۸.

۴. المعارف، ص ۷۹؛ معجم البلدان، ج ۱، ص ۲۱۹؛ خزانه الادب، ج ۱۱، ص ۴۸۲؛ الاعلام، ج ۱، ص ۳۳۴.

۵. المعارف، ص ۷۹؛ الصحاح، ج ۵، ص ۱۸۶۲.

۶. معجم البلدان، ج ۱، ص ۲۱۹.

۷. معجم البلدان، ج ۱، ص ۲۱۹.

۸. الوافی بالوفیات، ج ۹، ص ۱۷۰؛ خزانه الادب، ج ۱۱، ص ۴۸۲.

◀ منابع

الاعلام: الزرکلی (م. ۱۳۹۶ق.)، بیروت، دار العلم للملایین، ۱۹۹۷م؛ انساب الاشراف: البلاذری (م. ۲۷۹ق.)، به کوشش زکار و زرکلی، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۷ق؛ الانساب: عبدالکریم السمعانی (م. ۵۶۲ق.)، به کوشش عبدالرحمن، حیدرآباد، دائرة المعارف العثمانیه، ۱۳۸۲ق؛ التبیان: الطوسی (م. ۴۶۰ق.)، به کوشش العاملی، بیروت، دار احیاء التراث العربی؛ خزانه الادب: عبدالقادر البغدادی (م. ۱۰۹۳ق.)، به کوشش طریفی و الیعقوبی، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۹۹۸م؛ شرح نهج البلاغه: ابن ابی‌الحدید (م. ۶۵۶ق.)، به کوشش محمد ابوالفضل، دار احیاء الکتب العربیه، ۱۳۷۸ق؛ شفاء الغرام: محمد الفاسی (م. ۸۳۲ق.)، مکه، الکتب الثقافیه، ۱۹۹۹م؛ الصحاح: الجوهری (م. ۳۹۳ق.)، به کوشش العطار، بیروت، دار العلم للملایین، ۱۴۰۷ق؛ غریب الحدیث: ابن سلام الیهروی (م. ۲۲۴ق.)، به کوشش محمد عبدالمعید خان، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۳۹۶ق؛ الفرج بعد الشده: ابوعلی حسن التنوخی (م. ۳۸۴ق.)، قم، الرضی، ۱۳۶۴ش؛ المحبّر: ابن حبیب (م. ۲۴۵ق.)، به کوشش ایلزه لیختن شستیر، بیروت، دار الآفاق الجدیده؛ المعارف: ابن قتیبه (م. ۲۷۶ق.)، به کوشش ثروت عکاشه، قم، الرضی، ۱۳۷۳ش؛ معجم البلدان: یاقوت الحموی (م. ۶۲۶ق.)، بیروت، دار صادر، ۱۹۹۵م؛ الوافی بالوفیات: الصفدی (م. ۷۶۴ق.)، به کوشش الارنؤوط و ترکی مصطفی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.

سید محمود سامانی

